

پدر سامان خودات

بر مبنی منابع دست داشته، پدر سامان خودات نیز بنام خودات نامیده شده از زمره افراد نظامی و از جمله زمامداران عصر خود، هکذا دارنده لقب خودات (خداة) بوده است. (120)

گفتنی است که لقب خودات "khudat" افاده کننده مفاهیمی از قبیل "زاممدار، حکمران" بوده و از کلمه اوستائی "hu-data" که بمعنی "خوب، خوبی" ترجمه میگردد، اشتقاق یافته است.

از جانبی کلمه خودات در کتاب اوستا از جمله القاب خدایان بوده و در تنگه های قبل از اسلام بخار ابشکل (hwδ'δ) ثبت گردیده است.

[*Mustawfī-i Qazwīnī: 379*] [*Усанова 1995: 26 – 27*]

[*Jacut III: 13*], [*Смирнова 1981: 31*].

در منابع سغدی از القابی از قبیل (γwt'w) و یا هم (γwβw) که بمثابه القاب عنعنوی و عناوین مراجعتی (خطابیه) میان نجبا سغدی استعمال میگردد یاد آوری شده است، القابیکه در منابع عربی اصطلاح معادل "دهقان" "ملک" استعمال شده است.

[*Смирнова 1970: 41, 55*].

گفته میشود که عنوان "خودات" دارای مفاهیم کلی معادل کلماتی مانند "دهقان" بوده و در مراحل قبل از اسلام در مناطق معینی عمدتاً در قسمت های جنوبی آسیای میانه و بصورت خاص در محدوده بلخ الی بخارا عمومیت داشته است. چنانچه بر علاوه سامان خودات زمامداران دیگری از جمله زمامدار وردان Vardan وردان خودات، زمامدار بخارا- بخار خودات، زمامدار ورخش- خنک خودات و یا هم زمامدار چغانیان- چغان خودات و غیره در تکمیل عناوین شان از عنوان مذکور استفاده برده اند.

به همین ترتیب در محدوده خراسان، از زمامدارانی به اسما سرور خودات و تورر Turar-khudat خودات یاد آوری شده و زمامدار Guzganan (احتمالاً گوزگانان و یاهم جوزجانان بوده باشد - مترجم) بنام "گوزگان خودات" نامیده شده است.

[*Смирнова 1975: 60 – 63*]. [*at-Tabarī II: 1869; III: 356*]. [*Ибн Хордадбех: 69*].

گفته میشود که حیدر ابن کاوس Haydar Bin Cavus زمامدار بخش های شمالی خلافت که بنام "الافشین" شهره بود، طی سالهای 835-837 "محمد ابن خالد بورحر خودات" را منحیث زمامدار ارمنستان برگزید. گفته شده است که ابو شجاع "شیبب" ابن بخار خودات البلخی از جمله سپهسالاران نامی خلیفه المومنین شمرده میشود.

[*al-Ja'kubī II: 475; Тер-Гевондян 1977: 97*]. [*ал-Джахиз: 75*].

بنا به قول حمدالله قزوینی(قرن XIV) در مراحل قبل از اسلام مالکیت قسمت اعظم سرزمینهای ماوراءالنهر در اختیار اجداد بهرام چوبین قرار داشت. اما وضعیت پدر سامان بعد از استیلا عربها متحول گردید، بنا وی بناچار درین برحه هائی از حیات اش منحیث شترشناس (یا هم کاروان باشی- مترجم) یکی از افراد برجسته آنزمان گماشته شد، که این مسله موجب تحقیر و نا رضایتی موصوف میگردید، زیرا وی از زمره تبارهای مهم و مشهور واز زمره نجبای مردم اش شمرده میشد. بناء وی بناچار عازم ترکستان گردید و در آنجا دست به غارت و چپاولگری زد. متعاقبا بعد از مدتی نیروی هنگفتی گردآورده شهر آشناس را به تصرف در آورد(121)

[*Mustawfi-i Qazwīnī: 379*].

گفتنی است که معلومات فوق در مقالات "الصحيح التاريخ" (اطلاعات دقیق و معتبر) ، هکذا در مقالات الموسوی (متعلق به قرن XII) خواندمیر مورخ مشهور عرب تبار بیان گردیده است.(122) خواندمیر در نوشته هایش از تصرف شهر "الشاش" توسط پدر سامان خودات تاکید داشته است.

[*Хвандамир II: 352*].

اللوری(قرن پانزدهم) مینویسد که در آغازین مراحل اشاعه دین مقدس اسلام از تبار او غوزیها، سلسله ایکه(تباریکه) سامان یابگوز آن برخاسته بود، حکمداری بنام طغرل وجود داشت، زمامداریکه بعد از وی زمام امور به سامان یابگو تعلق گرفت. گفته شده است زمانیکه سامان به شهر مرو عزیمت نمود طاهر ذوالیمین که از زمره حکمرانان سابق امیر المومن شمرده میشد مسولیت پرورش آنرا بدوش گرفت.

(123)

اما بخاطر باید داشت که اظهارات فوق در عده ای از منابع منحیث معلومات موثق و حقیقی تلقی نگردیده حائز اهمیت پنداشته نشده است. اما، از دیدگاه ما معلومات متذکره توسط بعضی از مورخین منجمله (رشیدالدین، السامانی و محمود ابن ولی ..) بصورت غیر مستقیم مورد تأیید قرار گرفته است، که بنوبه خود میتواند منحیث عنصر میرمی در تکمیل بیوگرافی سامان خودات مورد بهره برداری قرار گیرد. با اطمینان خاطر میتوان اذعان داشت که پدر سامان خودات فرد نظامی بوده و منحیث منصبدار عالی رتبه عسکری در قسمت های جنوبی آسیای میانه ایفای وظیفه نموده است. موصوف بالقب طغرل شهره بوده از چهره های مشهور، همزمان با آن حکمران بلخ و دارای عنوان یابگو نیز بوده است. از جانبی میتوان حدس زد که موصوف احتمالا همان جیبه خان بوده باشد. چنانچه موصوف در مقالات رشیدالدین منحیث سامان یابگوی، یعنی سامان یابگو و از جمله حکمرانان افسانوی او غوزی خوانده شده است.

[*ال-لاری: 234a*]. [*Frye 1993: 136; Buchner 1997: 140*]. [*Togan 1972: 111 – 112*].

گفتنی است که پدسامان خودات در جریان حملات عربها به سرزمینهای تخارستان از مناصب موجود عزل و میراث به ارث گرفته از اجداد و نیاکانش را در سرزمینهای بلخ از دست داد. متعاقبا به امور شتر داری و ساربانان پرداخت و راه تخارستان در پیش گرفت و در آنجا دست به غارت و چپاولگری زد. بعد از مدتی نیروی بزرگی گرد آورده شهر ترک نشین آشناس یا (الشاش) را به تصرف در آورد، شهریکه تا آنزمان به تصرف کامل عربها در نیامده و از جمله شهرهای ترک نشین شمرده میشد.

(124)(125)(126)

توجه باید داشت که در اظهارات فوق نکات مهم و مبرمی دیگری نیز وجود دارد که بر ترک بودن پدسامان خودات تاکید مینماید. قسمیکه دیده میشود شغل شتربانی (ساربانان) یکی از اشغال (شغل های) معمول و مروج ترک هاشمرده میشد، زیرا ترکان نه فقط به امور مالداران اشتغال داشتند، بلکه مسیر حرکات و رفت و آمد کاروان های تجارتنی را در مسیر راه بزرگ ابریشم تنظیم مینمودند. چنانچه شخص ترک تباری به اسم ترخان از جمله ساربانان ابومسلم نیز بوده است.

[*Шефер 1981: 103*]. [*at-Tabarī II: 1950*].

قسمیکه گفته آمد پدیر سامان خودات در محدوده تخارستان به غارت و چپاول پرداخت، کاریکه از زمره مصروفیت های معمولی ترکان شمرده میشد. اما، در بخش های مختلفه ترکستان منجمله الشاش (آشناس) که اکثریت اهالی آنرا ترکان تشکیل میداد، حاکمیت میتوانست فقط توسط نمایندگان آنها (ترکان) تصاحب گردد.

در کتابخانه مسجد جامع خلج محمود Halač Mahmoud شهر انقره دستنویسی به شماره 112 محافظت میگردد که از مولف آن معلوماتی در دست نیست، اما تاریخ تحریرش سال 611 هجری مطابق به سالهای 1214-1215 م گفته شده است. در اثر مذکور معلوماتی در باره رود جیحون (سیردریا) وجود داشته و از آن بنام ماجند Ma 'Janda (یعنی آب جنده) نامبرده شده است. (127)

توجه باید داشت که شهر آشناس زادگاه آبائی سامانیان در سواحل همین دریا موقعیت داشت.

[*Togan 1964: 63*].

به عقیده ما، معقول خواهد بود تا در متن مذکور مانند متون متعلق به مستوفی قزوینی و خواندمیر به جای واژه "آشناس"، "الشاش" گفته شود. متناسب به آن میتوان اذعان داشت که سامان یابگو که بعد ها بنام سامان خودات شهره شد دقیقا در شهر چاچ (الشاش) جائیکه چندی قبل پدرش حکمران آنجا بود متولد و در

آن جا به بلاغت رسید. گفتنی است که پدر سامان خودات که بنام جبیه خان شهره بود توسط سی یابگو خاقان (زمان فرمانروائی بین سالهای 630-632) پسر تون یابگو خاقان، خاقانیکه در سال 630 الی قتل پدرش جانشین چاچ شمرده میشد شناسانیده شد.

[Togan 1964: 47, 64], [Бичурин I: 285; Chavannes 1903: 54, 196; Гумилев 1967: 210 – 211; Кляшторный 1985: 166; Tašagil 1999: 64].

گفته شده است که سامان یابگو الی شهره شدن منحیث سامان خودات احتمالاً دریکی از شهرهای متعلق به چاچ مسولیت جانشینی داشته است. چنانچه در قرن دهم در محدوده الشاش از موجودیت شهرکی بنام جبگوکت که قبلاً منحیث اردوگاه نظامی از آن استفاده میگردید یاد آوری شده است.

[al-Istakhrī: 330, 345; Ibn Haukal: 461, 463, 507; al-Moqaddasī: 264; Hudud al-'Alam: 117, 357].

لازم به یادآوریست که طی قرون VI – VII از جمله تنگه های جاری (تنگه موردچلند) تنگه تصویر داری (حاوی تصویر اسپ سواری) در محدوده چاچ درچلند بوده است که توسط حکمدار گمنامی با عنوان جبگو خاقان (срѣw γ'γ'n) ضرب زده شده است. لذا احتمال داده میشود که تنگه مذکور توسط سی- یابگو خاقان که بنام جبگو خاقان و یا جبیه خان نامیده میشد ضرب زده شده باشد.

[Бабаяров 2005: 198; Бабаяр, Кубатин 2005: 99].

در صفحه پیشروی تنگه های اولیه (قدیمی) چاچ، متعلق به قرون III – IV پارتیریت حکمداری با ویژگی های خاص چهره، باموهای افتاده تاج مانند برپیشانی (بالای پیشانی) دیده شده است، موهای که بشکل دسته های با هم تابیده به تصویر کشیده شده اند در حالیکه، در صفحه عقبی تنگه های مذکور افسانه های سغدی حک گردیده اند. گفتنی است که تنگه های مشابه توسط دودمان حکمرانان محلی چاچ ضرب زده شده اند.

[Ртвеладзе 1987: 136 (№ 40)].

در سال 605 سلسله حکمرانان محلی توسط شیگوی خاقان Sheguy-Hagan (زمان فرمانروائی بین سالهای 610-618) کواسه ایستمی خاقان مضمحل اما "تیان-چژی" (Fu-Chih) Tyan-Chih با لقب تیلی (تیگین) به تخت جلوس داده شد

[Chavannes 1903: 141; Бичурин II: 282].

گفتنی است که شهر چاچ طی قرون VII – VIII توسط دودمان ترک تباری که دارای عنوان تودون tudun (در منابع چینی بنام توتون) که یکی از عناوین معروف ترکی شمرده میشد، اداره میگردید.

[Бируни 1957: 111], [Гукасян 1971: 249].

[Малявкин 1989: 270; Бичурин II: 313; Бабаяров 2005: 200],

مثلا شهر چاچ در سال 658 توسط شخصی بنام کان توتون Cagnes-Tutun یعنی Tone tudun و در سالهای 713-714 توسط مهیدی توتون Mohedu-Tutun بهادر (بادر) تودون، یابهادر ترخان، در سال (764) توسط Inay-Tutun Tsyuyle اینای توتون سویلی Inay-Kul tudun، یعنی (معاون پادشاه)، و در سال 742-750 توسط تیلی (تیگین) اداره میگردید.

[Бичурин I: 287], [Chavannes 1903: 141],

[Chavannes 1903: 61, 141, 142; Бичурин II: 313 – 314]

[at-Tabarī II: 1693], [Chavannes 1903: 76, 142; Бичурин II: 314],

[Chavannes 1903: 67, 70, 72, 74, 76, 88, 142].

لازم به یادآوریست که از تودون چاچ نه تنها در منابع عربی و سغدی، بل در تنگه های چاچ قبل از اسلام نیز بشکل čačinak tōwn نامبرده شده است. (128)

[СДГМ II: 78 – 79, 82 – 84]

[Смирнова 1963: 33 (№ 777 – 783); Смирнова 1981: 52; Бабаяров 2005: 30].

بدین ترتیب اطلاعاتی از موجودیت تنگه های حکمران چاچ بنام tudun Satachar تودون ساتاچار (سات آچر) Ster tōwn یا آقای ساتاچار (سات آچر) Ster γwβw در دسترس هست.

[Baratova 1999: 248].

در صفحه پیشروی تنگه مذکور تصویر حکمداری با چشمان بادامی (چشمان تنگ و باریک) زلفان غلو و اوخته از زیر کلاه های نمادی به تصویر کشیده شده است. اما در تنگه های متعلق به زمامداران چاچ، نامهای Tarnawa and Sobchak ترناوی و ساچک یاد آوری شده است.

[Смирнова 1981: 61]. [Ртвеладзе 1987: 164, 172].

به همین ترتیب در تنگه های حکمرانان چاچ که طی قرون VI – VII در محدوده چاچ در گردش بود، بر علاوه نامهای تودون، نامهای تیگین، ترخان، شاد و توتوک tegin, Tarhan, shad, tutuk عنوان hvab (γwβw) سغدی نیز دیده شده است.

در منابع، از حکمرانان دیگری از قبیل اینی داگان (ترخان) Inye-Dagan و بادر (کدریا قدر ترخان) Badur (Kadar) – tarhan که در محدوده چاچ حکم رانده اند نیز یاد آوری شده است.

گفتنی است که آخرین تنگه های مکشوفه در محدوده چاچ بما امکان میدهد تا تنگه هائی را که بنام (twñ cpyw γ'γ'n), تون یابگو خاقان به الفبای سغدی ضرب زده شده اند معین و معلوم نمائیم.

[Бичурин II: 292], [at-Tabarī II: 1694].

[Бабаяров 2005: 198; Бабаяр, Кубатин 2005: 99].

به همین ترتیب موجودیت تعدادی از تنگه های تصویردار (حاوی تصاویر اسپ)، یکجا با تصاویر سوار کار آن (اسپ سوار)، شترهای دو کوهانه و درندگان وحشی، هکذا پارتیت حکمرانانی چهره منگولیائی (دارای چهره مغولی) حاوی کتیبه های سغدی همه و همه با حکمرانان ترک تبار چاچ مرتبط دانسته میشود.

[Смирнова 1963: 32 (№ 347 – 374, 375, 376)].

در میان تنگه های قرون VII – VIII چاچ، تنگه هائی بمشاهد رسیده است که حاوی عناوین خاقانات (γ'γ'n) و نام ایل تیگین (ایر تیگین) بوده است. بر مبنی قراین بدست آمده میتوان گفت که تنگه های مذکور احتمالاً توسط ایل تیگین جد عالی سامان خودات، شخصیکه در منابع فارسی و عربی از آن بنام برمودا یا پرمودا یاد آوری شده است ضرب زده شده باشد.

[Бабаяров 2003: 12], [Бабаяров 2004: 31; Бабаяров 2005: 198].

[Бабаяров 2005: 198].

حسب مطالعات رونیکی (رمزی) بعمل آمده روی تنگه های چاچ از موجودیت انواع مختلف پارتیت های دوگانه (حکمدار با خانم اش) معه نشان دولتی چنگ مانند (پنجه مانند) چاچ پرده برداری شد.

[Rtveladze 1997: 314 – 323; Баратова 1995: 15].

گفتنی است که بروی بعضی از آنها کتیبه های سغدی (βγγγ γ'γ'n) یعنی "خاقان الهی" حک گردیده بود. هکذا در قرون VII – VIII در محدوده چاچ تنگه هائی حاوی تصاویر اسپ ضرب زده شده است.

[Баратова 1998: 41 – 46]. [Баратова 1995: 15].

در شهرک افر آسیاب، تنگه هائی صلیب در دست که متعلق به حکمرانان ترک تبار چاچ بدست آمده است. با مشاهده تنگه های مذکور میتوان قیاس کرد که آنها متولیان آئین مسیحیت بوده اند.

[Ртвеладзе, Таиходжаев 1973: 232 – 234].

به همین ترتیب در قریه کیرچیوه Kerchevo واقع اورال، کشتی کوچکی کشف گردیده است که حاوی

تصویر حکمداری با تاج دو گوشه ای (دوجناحی) و شی کره وی توپ مانندی در سر (در بالا) بمشاهده می‌رسد. منظره مذکور طوری به تصویر کشیده شده است که زمامدار چابک سواری دوراس خرس وحشی را که در حال فرار بصوب بیشه اند با شمشیر دست داشته پاره- پاره مینماید. به همین ترتیب در ظروف بدست آمده از شهر بلخ که متعلق به قرون IV – III قلمداد گردیده است کتیبه سغدی زیر بمشاهده می‌رسد:

"از اموالیکه ... متعلق به مردم چاچ بوده است".

میتوان تصور نمود که ظروف مذکور به یکی از حکمرانان خیانت *hionitskih* بلخ، حکمرانی که از چاچ بدانجا عزیمت نموده اند تعلق داشته است. در یکی از کتیبه های قرون VI – V ساسانی که با الفبای پهلوی نوشته شده است، تصویر حکمداری بنظر می‌رسد که دقیقا دارای شکل و شمایل ایرانی (صورت بیضوی و بینی بزرگ و بلند) و کلاه مزین شده با شاخ گاو بوده است.

[*Пугаченкова 1990: 28*]. [*Frye 1971: pl. XI, fig. 81*].

گفتنی است که برستون یابگو خاقان، خاقان عالی ترک که تصویرش در میدالیون یادبود سال 625 در شهر قندز به افتخار حصول غلبه نهائی و قطعی بالای هیبتالیتهای ضرب زده شده بود تاج بالداری با شاخ گاو ترسیم گردیده بود.

[*Harmatta 1982: 168*].

اظهارات قزوینی مبنی بر تعلقیت کلیه سرزمینهای ماورالنهر به نوادگان بهرام چوبین دلالت بر موجودیت مناسبات خویشاوندی و قرابتی میان آنها و خاقانات عالی ترک دارد، زیرا در مراحل قبل از اسلام فقط و فقط خاقانات عالی ترک و یا هم نمایندگان آنها میتوانستند حکمران عالی ماورالنهر باشند و بس. چنانچه هنگامیکه قطیبه ابن مسلم از طریق دریای آمو وارد بخارا گردید، شخصی به اسم سول که در حقیقت مالک ماورالنهر شمرده میشد در راس حاکمیت بخارا قرار داشت.

[*اد-Динавари: 327*].

گفتنی است که اجداد سامانیان، منجمله ایل ارسلان (شیرکشور، ساواشاه) و ایل تیگین (پرمودا، نیلی-خان) در مراحل قبل از اسلام نیز از زمره حکمرانان عالی مقام شمرده میشدند، که این مطلب توسط "نظام الملک" نیز مورد تأیید قرار گرفته است. نظام الملک در قسمتی تاکید مینماید که سرزمینهای خراسان، عراق و ماورالنهر در اختیار اجداد اسماعیل ابن احمد قرار داشته است. هکذا علاوه گردیده است که خلیفه المعتد AL Mu'tadid اسماعیل ابن احمد را به یورش علیه امیر ابن الیس ترغیب مینمود.

اومینویسد:

"مالکیت اش را تصاحب کن، تو مستحق تری تا امیر عراق و خراسان باشی. زیرا، اینها (سرزمینها) متعلق به اجداد و نیاکان تو بودند، اما او آنرا "غصب" نموده است."

[*Сиасет- намә: 17, 20*].

علاوه بایستی نمود که درینجا هدف از "عراق" همانا شهر "ری" و هدف از "خراسان" همانا شهر بلخ بوده است. زیرا، قسمیکه میدانید شهرهای مذکور از جمله مملکات بهرام چوبین شمرده میشد. اما آنچه به اجداد اسماعیل ابن احمد یعنی مالک ماورالنهر ارتباط میگیرد، این شخص درحقیقت امر همان ایل ارسلان شیرکشور ساوا شاه، یونگ ساو تیگین (Yang Souh-tegin) حکمران ترک تبار بخارا و پسرش، (پرمودا، نیلی) خاقان عالی ترک بود که بهرام چوبین دختر اش را به عقد نکاح خود در آورد.

پاورقیها

120. احتمالاً واژه مذکور یکی از گزینه های نوشتاری نام جبهه خان باشد.

121. آشناس Ashnas نام شهر ترکی است که در قسمت های پائینی سیردریا در میان

Janda & Sygnak موقعیت دارد.

[*Mustawfi of Qazwīn: 261; Рашид ад-дин 1946 I (2): 200*].

مؤلفین تذکار دادند که یکی از پسران چهارگانه اسد بنام یحیی منحیث حکمران شهر آشناس تعیین گردید.

اما در منابع دیگری معلومات متفاوتی بنظر میخورد مثلاً:

اولاً- در آغاز قرن IX قسمت های پائینی سیردریا و آشناس در ترکیب خلافت عرب شامل نگردیده بود

ثانیاً: یحیی نه منحیث حکمران آشناس، بل منحیث حکمران الشاش و اوستروشان تعیین گردیده بود.

از جانبی توجه باید داشت که هدف از نام آشناس، همانا شهر شاش (الشاش) میباشد، شهریکه و.و. بارتولد

نیز بر آن اشاراتی داشته است.

[*Бартольд 1963a: 267*].

122. دست نویس مقاله مذکور در فوند Yeni Cami Hatice Turhan بشماره 224: 2966

قید میباشد.

[*Togan 1964: 63*].

123. هدف از سپهسالار نظامی، طاهر ابن الحسین، سرکرده نام آور سلسله طاهریان در خراسان

میباشد. (زمان فرمانروائی بین سالهای 159-207 هجری مطابق به سالهای 775-822 م)

124. در زمان خلفای عرب دارندگان نامهای شخصی آشناس یعنی آنانیکه برخاسته از همین شهر بودند نیز معلوم بود. مثلاً یکی از سرکردگان ترک تبار خلیفه المعتصم (زمان فرمانروائی بین سالهای 218-227 هجری مطابق به سالهای 833-842 م) و غلام اسمعیل ابن احمد (زمان فرمانروائی بین سالهای 279-295 هجری مطابق به سالهای 892-907م) نیز دارای همچو اسم بود. علاوه بایستی نمود که از شهری بنام آشناس Ashnas فقط در منابع سالهای اخیر یادآوری شده است

[*Ta'riḥ-u Sistān: 450, прим. 771*]. [*Mustawfī of Qazwin: 261*].

125. درینجا تصرف الشاش بیشتر محتمل بنظر میرسد، زیرا، بیشترین اقارب سامان خودات در شهر فرغانه جائیکه در فاصله نه چندان دور از الشاش موقعیت دارمسکن گزین بودند. چنین بنظر میرسد که پدر سامان خودات از تخارستان فقط بمقصد فرغانه جائیکه در منابع فوق الذکر از آن بنام "ترکستان" گفته شده است عزیزت نمود.

126. بقول الازرقی قرق ها الی مقارن قرن نهم بخش های اعظم سرزمینهای ترکستان از فرغانه تا اتر (شهری در قزاقستان کنونی) بشمول الشاش را در اختیار داشتند.

[*Михайлова 1951: 17*].

127. رمز یابی کلمه عربی از واژه ترکی "جند سو" و یا "آب جند" فارسی صورت گرفته باشد

128. در متن کدر

[*at-Tabarī II: 1694; Бируни 1957: 111*].

.....

لینک های اضافی (علاوه گی) که بکمک آنها میتوان در باره

نامهای ذکر شده در این باب، معلومات آفاقی بدست آورد.

(البته اینها شامل بحث کتاب هذا نمیباشند.)

https://www.google.se/search?q=%D0%B2%D0%BE%D0%B9%D0%BB%D0%BE%D1%87%D0%BD%D0%BE%D0%B3%D0%BE+%D0%BA%D0%BE%D0%BB%D0%BF%D0%B0%D0%BA%D0%B0&rlz=2C1KMZB_enSE0536SE0536&source=lnms&tbn=isch&sa=X&ved=0ahUKewjFhNuYiPvQAHVGFiwKHRG9CNAQ_AUICSgC&biw=1094&bih=462

درباره کلاه نمدی